

## چکیده

این مقاله به میزان تأثیرپذیری و بهره‌مندی کتاب تفسیر کشف‌الاسرار میبیدی از سخنان علی‌بن ابی‌طالب (ع) و همچنین کرامات و حکایاتی که از آن حضرت نقل کرده، پرداخته است؛ و ضمن ارائه نمونه‌هایی از احادیث علوی که با زبان عربی یا با ترجمه فارسی در کتاب مذکور نقل شده، به دیدگاه میبیدی درباره کرامات و فضائل علی (ع) نیز اشاره کرده است. انتخاب کتاب کشف‌الاسرار بدان جهت است که نویسنده کتاب از علمای اهل سنت بوده و کتاب او نیز در زمره امتیازات کتب صوفیه به شمار می‌رود. علاوه بر این تفسیر کشف‌الاسرار بی‌تردید یکی از زیباترین متون نثر فارسی است.

کلید واژه‌ها: کشف‌الاسرار، روایات علوی، عرفان، حدیث.

جوهر الاسرار

(ع)

از لفزار کلام

دکتر احمد خاتمی

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

در میان آثار منثور دینی، آنچه به زبان فارسی نگاشته شده است، نسبت به تألیفات و تحقیقاتی که ایرانیان به زبان عربی داشته‌اند، اندک است. در ادوار مختلف گذشته، در میان عالمان دینی که گاه به شخصیهایی برمی‌خوریم که بنا به میل باطنی، یا به تشخیص نیازهای اجتماعی و یا به سفارش و خواهش شاهزادگان و شاهان ایرانی، به نگارش متون دینی به زبان پارسی همت گمارده‌اند، که از آن جمله می‌توان به آثاری چون تفسیر روض‌الجنان و روح‌الجنان، معروف به تفسیر ابوالفتوح رازی، و یا تفسیر کشف‌الاسرار و عدّه‌الابرار، معروف به تفسیر

خواجه عبدالله انصاری، اشاره کرد، که هر دو اثر از جنبه‌های مختلف، از جمله جنبه دینی و قرآنی و جنبه ادبی، حایز اهمیت فراوانند. این مقاله در صدد است تا به دلایلی که بعضاً اشاره می‌شود، به میزان بهره‌مندی و استفاده تفسیر کشف‌الاسرار از گفتار و رفتار حضرت مولی‌الموحدین، علی بن ابی طالب - علیه‌السلام - اشاره‌ای داشته باشد. انتخاب تفسیر کشف‌الاسرار که بدون شک از زیباترین متون ادب فارسی و از دلنشین‌ترین متون تفسیر قرآن کریم است، از آن روست که:

اولاً: این اثر به زبان فارسی است.

ثانیاً: از مهم‌ترین متون ادبی و عرفانی به شمار می‌رود.

ثالثاً: صاحب آن از علمای عامه است.

رابعاً: نخستین تفسیر کامل قرآن کریم به زبان فارسی است.

تفسیر که به نام خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱-۳۹۶ ه. ق) مشهور است، در واقع اثر ابوالفضل میبیدی - عالم و عارف شافعی مذهب قرن ششم هجری - است که در سال پانصد و بیست هجری قمری به تألیف کشف‌الاسرار همت کرده و در اوایل نیمه دوم قرن ششم آن را به پایان برده است.

میبیدی تفسیر خود را بر اساس تفسیر الهروی خواجه عبدالله انصاری در ده مجلد به رشته تحریر درآورده و در ذیل هر سوره، نخست به ترجمه ادبی و تفسیر شرعی و روایی آیات و سپس به تفسیر ادبی - عرفانی آیات

می‌پردازد.

مجموع روایاتی که میبیدی به زبان عربی در تفسیر نقل کرده، یکصد و بیست روایت، و مجموع روایاتی که به زبان فارسی نقل کرده، بیست و سه روایت است که بعضی از آنها در نهج البلاغه نیز آمده است.

مجموع حکایات و داستانهایی که از علی بن ابی طالب - علیه‌الصّلوة و السّلام - در کشف‌الاسرار آمده، بالغ بر سیزده حکایت است. سیصد و هفتاد و هفت باد نیز نام علی بن ابی طالب (ع) به صورت علی بن ابی طالب، امیرالمؤمنین و ابوالحسن ذکر شده است.

توجه به میزان بهره‌گیری میبیدی از روایات علی (ع)، نشان از ذکاوت مفسر مذکور، در تبیین آیات الهی دارد.

این مقاله به لحاظ محدودیتهایی که دارد، صرفاً به ذکر نمونه‌هایی از دیدگاههای میبیدی درباره حضرت علی (ع) می‌پردازد، که عبارتند از:

تقدّم علی (ع) در پذیرش اسلام.

منزلت علی (ع)

دانش و بینش علی (ع)

کرامات و فضایل علی (ع)

و در خاتمه، فهرست روایات عربی و فهرست روایات فارسی منقول از آن حضرت را با ذکر شماره جلد و شماره صفحه ارائه می‌دهد.

تقدّم علی (ع) در پذیرش اسلام

میبیدی در نوبت ثانیه، در ذیل آیه شریفه:

«وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ»<sup>(۱)</sup> آورده است: ... اسمعیل بن ایاز بن عقیف روایت کند از پدر خویش از جدّ خویش - عقیف - گفتا: مردی بازرگان بودم. به روزگار حجّ به مکه آمدم و به نزدیک عبّاس بن عبدالمطلب فرود آمدم، که با وی دوستی و برادری داشتم. گفتا: هر دو به ایّام موسم، به منی ایستاده بودیم - من و عبّاس - که مردی جوان تازه روی فراز آمد به وقت پیشین، و ساعتی در آسمان می نگرده؛ آنکه روی به قبله آورد و در نماز ایستاد. هم در آن ساعت کودکی آمد و از راست دست وی بایستاد و زنی آمد از پس هر دو بایستاد. آن جوان پشت خم داد و در رکوع شد. هر دو در متابعت وی در رکوع شدند. جوان به سجود شد. ایشان نیز به متابعت وی در سجود شدند، و در قیام همچنان و در تشهد همچنان. ابن عقیف رو به عبّاس آورد؛ گفت: یا عبّاس، این عظیم کاری است. این کار ایشان چه کار است و این چه کسان اند اینان؟ عبّاس گفت هذا ابنُ أخی - محمد بن عبد الله بن عبدالمطلب. یَرَعَمُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَهُ رَسُولًا وَأَنَّ كَنُوزَ كَسْرِي وَ قَبِصْرَ سَتَفْتَحَ عَلَيْهِ وَ هَذَا هَذَا الْغُلَامُ ابْنُ أخی - علی بن ابی طالب - و هذا المرأة خديجة بنت خويلد - زوجة محمد<sup>(۲)</sup>.

### منزلت علی(ع)

توجه به جایگاه علی(ع) و بیان منزلت آن حضرت، از موضوعاتی است که مکرّر در تفسیر کشف الاسرار مدّ نظر مفسّر بوده است. برای نمونه، مطلبی را که در ذیل آیه شریفه «وَاللَّهُ

رَتَوْفٌ بِالْعِبَادِ»<sup>(۳)</sup> نقل کرده است و در آن صراحتاً منزلت والای علی بن ابی طالب(ع) را معلوم نموده، می آوریم: و گفته اند، که این آیت در شأن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) آمد، آنکه که مصطفی هجرت کرد و علی را بر جای خواب خود خوابانید، و ذلك أنّ الله تعالی أوحى إلى جبرئيل و ميكائيل، إني آخيتُ بينكما و جعلتُ عمرَ أحدكما أطولَ من عمر الآخر، فأیکما یؤثِرُ صاحبه بالحیوة، فأختار کِلَاهُمَا الحیوة، فأوحى الله إِلَهُمَا أَفَلَا كُنْتُمَا مِثْلَ عَلِيّ بن ابی طالب، آخيتُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ (ص) قَبَاتِ عَلِيّ فَرَأِشُهُ يَفِدُهُ بِنَفْسِهِ، وَ يُؤَثِرُهُ بِالْحَيوة. اهباطا إلى الارض فأحفظاه من عدوه، فَنَزَلَا، وَ كَانَ جبرئيلُ عِنْدَ رَأْسِ عَلِيّ، وَ ميكائيلُ عِنْدَ رِجْلَيْهِ، وَ جبرئيلُ يُنادي «يَخِ يَخِ مِنْ مِثْلِكَ يَا بنِ ابی طالب، يباهي الله - عزّ و جلّ - بِكَ الملائكة.» فَأَنْزَلَ اللَّهُ - عزّ و جلّ - عَلِيّ رَسُولَهُ وَ هُوَ مُتَوَجِّهٌ إِلَى المَدِينَةِ فِي شَأْنِ عَلِيّ: «وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي نَفْسَهُ...»<sup>(۴)</sup>.

### دانش و بینش علی(ع)

جمله ویژگیهای برجسته امام علی(ع)، علم اوست. اعلمیت حضرت به گونه ای است که حتی دشمنان سرسخت ایشان نتوانسته اند آن را کتمان کنند. میبیدی با وقوف به مدارج علمی آن حضرت، در لابه لای تفسیر خود به نقل کلمات ایشان پرداخته و از خرمن دانش الهی و علوم لدنی حضرت خوشه چینی کرده است. در اینجا به ذکر چند نمونه از آن بسنده می شود:

۱- در ضمن تفسیر سوره حمد، به حکایتی از امام مسلمانان، علی مرتضی، می پردازد که مشکل را برای فردی جهود حل می کند: بویکر نقاش حکایت کرد از امام مسلمانان، علی مرتضی (ع)، که روزی جهودی مرا گفت: در کتاب شما آیتی است، بر من مشکل شده؛ اگر کسی آن را تفسیر کند تا اشکال من حل شود، من مسلمان شوم. امام گفت: آن چه آیت است؟ گفت: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ». نه شما می گوید که به راه راستیم و دین روشن؟ اگر چنین است و بر شک نه اید، در دین خویش چرامی خواهید و آنچه دارید، چرامی جوید؟ امام گفت: قومی از پیغامبران و دوستان خدا پیش از ما به بهشت رفتند و به سعادت ابد رسیدند. ما از الله می خواهیم تا آن راه که به ایشان نمود، به ما نماید، و آن طاعت که ایشان را بر آن داشت تا به بهشت رسیدند، ما را بر آن دارد، تا ما نیز بر ایشان در رسیم و در بهشت شویم. گفتا آن اشکال وی حل شد و مرد مسلمان گشت (۵).

در ضمن تفسیر آیه ۱۴۷ از سوره «نساء»، با ذکر داستانی، فراست و ذکاوت علی بن ابی طالب را مطرح می کند و روحیه علم گرایی و پرهیز از خرافات را در آن حضرت نشان می دهد: «در تحقیق فراست اولیا روایت کنند که امیرالمؤمنین علی (ع) روزی قدم در رکاب مرکب می کرد تا به غزاة شود. مردی منجم بیامد و رکاب او گرفت، گفت: یا علی! امروز به حکم نجوم، در طالع تو نگاه کردم و تو را روی رفتن نیست؛ که تو را نصرت نخواهد بود. علی (ع)

گوید: دور، ای مرد از بر مرکب من! حیدر کز ار بدان قدم در رکاب کرده است تا چون تویی رکاب او گیرد و بازگرداند؟ دور باش از بر من، که اندیشه سینه من، کم از آن اثر نکند که خورشید در فلک. اگر فلک را از بهر کاری در گردش آورده اند، ما را نیز هم از بهر کاری در روش آورده اند. کسی را که دقت او حقیقت بود، و ثوانی او سبع مثنائی بود، و اصطراب او دل او بود، اندیشه وی کم از رأی تو بود؟ من بدین حرب خواهم شد، و جز امروز حرب نخواهم کرد، که مرا به فراست باطن معلوم شده است که از این لشکر من نه کشته شود. واللّه که ده نبود! و از لشکر دشمن نه بجهند. واللّه که ده نبود (۶)»

۳- باز از بیان آن حضرت در تبیین مسائل

تاریخی بهره می گیرد و علم و دانش او را بر مسائل پیشینیان و تاریخ گذشتگان می ستاید و آن را دلیل محکم برای بیان مطالب خود می داند. از جمله در ضمن شرح قصه اصحاب کهف و روایات متعدّد و مختلفی که درباره آنها وارد شده است، از روایات امیرالمؤمنین علی (ع) بهره می گیرد و بدان استناد می کند: «علماء صحابه و تابعین و ائمه دین در آن مختلفند و در روایات و اقوال ایشان اختلاف و تفاوت است. قول امیرالمؤمنین علی (ع) آن است که اصحاب الکهف قومی بودند در روزگار ملوک طویف، میان عیسی (ع) و محمد (ص)، و مسکن ایشان زمین روم بود در شهر افسوس. گفته اند که آن شهر امروز طرسوس است، و اهل آن شهر بر دین عیسی بودند و کتاب ایشان

بهره کشف الاسرار  
از گفتار و  
کردار علی (ع)

شماره ۱۲ و ۱۱ ۶۵

انجیل بود، و ایشان را ملکی بود صالح. تا آن ملک بر جای بود، کار ایشان بر نظام بود و بر دین عیسی راست بودند. چون آن ملک از دنیا برفت، کار بر ایشان مضطرب گشت و سر به باطل و ضلالت و تباہکاری در نهادند و بت پرست شدند، و در میان ایشان قومی اندک بماندند متواری از بقایای اهل توحید که بر دین عیسی بودند. و پادشاه اهل ضلالت در آن وقت دقیانوس بود؛ جباری متمرّد، کافری بت پرست. قومی گفتند دعوی خدایی کرد و خلق را بر طاعت خود دعوت کرد. و این دقیانوس بالشکر و حشم فراوان از زمین پارس آمده بود و این مدینه افسوس دارالملک خود ساخته، و هر کس که سر در چنبر طاعت وی نیاوردی و از دین وی برگشتی، او را هلاک کردی...»<sup>(۷)</sup>

### کرامات و فضایل علی(ع)

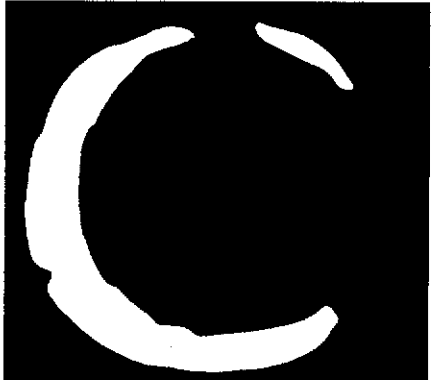
در تفسیر کشف‌الاسرار، حکایات و روایات متعدّدی است که دلالت بر فضایل و کرامات حضرت دارد. از آن جمله است داستانی که در فتح خیبر نقل می‌کند و علی(ع) را تنها فاتح آن می‌داند، که با امدادهای غیبی از عهده آن کار برآمد پس از آن که ابوبکر و عمر از فتح آن عاجز ماندند.

ابوبکر تمام آن روز جهد کرد و حصار گشاده نیامد. دیگر روز به عمر داد؛ هم گشاده نیامد. رسول گفت: وَاللّٰهُ لَاعْطِیْنَ الزَّابِیَةَ غَدًا رَجُلًا یُحِبُّهُ اللّٰهُ وَرَسُولَهُ. پس دیگر روز علی را بخواند و غلم به وی داد. علی رفت و غلم بر در حصار

خیبر بزد. جهودی بر بام حصار آمد؛ گفت: مَنْ أَنْتَ؟ تو کیستی؟ گفت: من علی ام. جهود گفت: علای شد این کار به حقّ موسی و توریه. پس علی به تأیید الهی و قوّت ربّانی در حصار به دست گرفت و از بوم حصار پرکند و بینداخت؛ چنانکه زلزله در حصار خیبر افتاد. بورافع گوید - مولی رسول - که: با من هفت تن دیگر از مبارزان عرب بودند. خواستیم که در از یکجانب به دیگر جانب گردانیم؛ نتوانستیم. گویند که حلقه آن چهارصد من بود و بعد از آن، علی رفت تا آن حلقه برگردد و نتوانست؛ از آنکه آنکه که می‌برکنند، جبرئیل با وی بود به معاونت. پس علی گفت: مَا قَلَعْتَهَا بِقُوَّةِ جِسْمَانِيَّةٍ إِنَّمَا قَلَعْتَهَا بِقُوَّةِ رَبَّانِيَّةٍ<sup>(۸)</sup>.

همچنان در باب فضایل آن حضرت، در ذیل روایت مشهور من کُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ از قول رسول اکرم(ص) می‌گوید: «هر که مراد دین و اعتقاد با وی پیوند است و دوستی، علی را با وی پیوند است و دوستی؛ و این شرف فضل علی(ع) را گفت.»

و در ادامه می‌نویسد: «و مِنْ فَضَائِلِ عَلِيٍّ (ع) مَا رَوَى عِمْرَانُ بْنُ حَصِينٍ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ: «إِنَّ عَلِيًّا مَتَى وَ أَنَا مِنْهُ، وَ هُوَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي.» وَ عَنِ ابْنِ عُصَمَرَ قَالَ: «أَخِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) بَيْنَ أَصْحَابِهِ، فَجَاءَ عَلِيٌّ تَدَمَّعَ عَيْنَاهُ، هَذَا عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ، اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، فَقَالَ آخِيْتُ بَيْنَ أَصْحَابِكَ وَ لَمْ تُؤَاخِ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحَدٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»، وَ قَالَ «أَنْتَ مَتَى بِمَنْزَلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ،



لا نَسْبِيَّ بَعْدِي». وَرَوَى الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ  
 عَلِيٍّ (ع) قَالَ: «قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَيْسَ فِي  
 الْقِيَامَةِ رَاكِبٌ غَيْرُنَا، وَنَحْنُ أَرْبَعَةٌ، فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ  
 مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي! أَنْتَ وَمَنْ؟  
 قَالَ: أَنَا عَلَى الْبُرَاقِ، وَأَخِي صَالِحٌ عَلَى نَاقَةِ اللَّهِ  
 الَّتِي عُقِرَتْ، وَ عَمِّي حَمْرُةٌ عَلَى نَاقَتِي الْعَبْضَاءِ، وَ  
 أَخِي عَلِيُّ عَلَى نَاقَةٍ مِّنْ فَوْقِ الْجَنَّةِ، وَبِيَدِهِ لَوَاءٌ  
 الْحَمْدِ يُنَادِي: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ  
 نُوذِيَتْ مِنْ بَطْنَانَ الْعَرِشِ: نَعَمْ الْأَبُ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمَ  
 الْخَلِيلِ، وَ نَعَمْ الْأَخُ أَخُوكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ!» وَ  
 عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ قَالَ: نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)  
 فِي وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقَالَ: «كَذَّبَ مَنْ  
 يَزْعَمُ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ هُوَ يُبْغِضُكَ». عَلِيُّ مَرْتَضَى،  
 ابْنِ عَمِّ مِصْطَفَى، شُوهِرَ خَاتُونِ قِيَامَتِ - فَاظْمَةُ  
 زَهْرًا - كَمَا خَلَّافَتْ رَا حَارِسَ بُوْد، وَ أَوْلِيَا رَا صَدْرَ وَ  
 بَدْرَ بُوْد، چنانکه نبوت به مصطفی ختم کردند.  
 خَلَّافَتْ خَلَفَاءَ رَاشِدِينَ بِه وَی خَتَمَ كَرْدَنَد  
 خَاتَمَتِ نُبُوتَ وَ خَاتَمَتِ خَلَّافَتِ، هَر دُو بَه هَم اَز  
 آدَم بَه مِيرَاثِ هَمی آمَد، عَصْرًا بَعْدِ عَصْرٍ؛ تَا بَه  
 عَهْدِ دَوْلَتِ مِصْطَفَى، خَاتَمَتِ نُبُوتَ بَه مِيرَاثِ بَه  
 مِصْطَفَى رَسِيدِ وَ خَاتَمَتِ خَلَّافَتِ بَه عَلِيٍّ  
 مَرْتَضَى رَسِيدِ. رَقِيقِ عَصْمَتِ وَ نُبُوتِ بُوْد. عَنصَرِ  
 عِلْمِ وَ حَكْمَتِ بُوْد. اِخْلَاصِ وَ صَدَقِ وَ يَقِينِ وَ  
 تَوَكَّلِ وَ تَقْوَا وَ وِرْعِ، شِعَارِ وَ دِنَارِ وَی بُوْد. حَيْدَرِ  
 كَرَّارِ بُوْد. صَاحِبِ ذَوَالْفَقَارِ بُوْد. سَيِّدِ مِهَاجِرِ وَ  
 اِنصَارِ بُوْد. رُوزِ خَيْرِ، مِصْطَفَى كَفَت: «لِأَعْطَيْنَ  
 هَذِهِ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا يُفْتَحُ اللَّهُ عَلَيَّ يَدَيْهِ، يُحِبُّ  
 اللَّهُ وَ رَسُولَهُ، وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ». فَرَدَا اِبْنَ  
 رَايَتِ نَصْرَتِ اِسْلَامِ بِه دَسْتِ مَرْدِي دَهَمِ كَمَا خَدَا

بهره کشف الاسرار  
 از گفتار و  
 کردار علی (ع)



و رسول را دوست دارد، و خدا و رسول او را دوست دارند. همه شب صحابه در این اندیشه بودند که فردا علم اسلام و رایت نصرت لا إله الا الله به کدام صدیق خواهد سپرد. دیگر روز مصطفی گفت: «این علی بن ابی طالب؟» گفتند: یا رسول الله، هُوَ يَشْتَكِي عَيْنَيْهِ: چشمش به درد است. گفت: او را بیارید. بیاوردند. زبان مبارک خویش به چشم او بیرون آورد. شفا یافت و نوری نو در بینایی وی حاصل شد، و رایت نصرت به وی داد. علی گفت: «یا رسول الله، أَفَأَتَيْلَهُمْ حَتَّى يَكُونُوا مِثْلَنَا: ایشان را به تیغ چنان کنم که یا همچون ما شوند، یا همه را هلاک کنم. رسول گفت: یا علی، آهسته باش و با ایشان جنگ بر اندازه ناکسی و بیقدری ایشان کن، نه بر قدر قوت و هیبت خویش. یا علی، ادعهم إلی الإسلام و أخبرهم بما يجب علیهم من حق الله فيه، فوالله لأن يهدى الله بك رجلاً واحداً خیر لك من أن يكون لك حمر النعم» (۹) و در ذیل آیه شریفه «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَنًا» (۱۰) به داستان همکاری زیبای حضرت فاطمه زهرا (س) و علی بن ابی طالب در کمک به سائل و نتایج مطلوب ناشی از معامله کردن با خدایم پردازد و می نویسد: «روزی علی مرتضی (ع) در خانه شد. حسن و حسین پیش فاطمه زهرا می گریستند. علی گفت: یا فاطمه، چه بوده است این روشنایی چشم و میوه دل و سرور جان ما را که می گریند؟ فاطمه گفت: یا علی، مانا که گرسنه اند؛ که یک روز گذشت تا هیچ چیز نخورده اند. و دیگی بر سر آتش نهاده

بود. علی گفت: آن چیست که در دیگ است؟ فاطمه گفت: در دیگ هیچ چیز نیست مگر آب تهی. دلخوشی این فرزندان را بر سر آتش نهادم، تا پندارند که چیزی می پزم. علی (ع) دلتنگ شد. عبائی نهاده بود؛ برگرفت و به بازار برد و به شش درم بفروخت و طعامی خرید. ناگاه سائلی آواز داد که «مَنْ يُقْرِضُ اللَّهَ يَجْزُهُ مِائَةً وَفِيَّاه» (ع) آنچه داشت، به وی داد. باز آمد و با فاطمه بگفت. فاطمه گفت: نوشت باد یا ابوالحسن، که توفیق یافتی و نیکو چیزی کردی، و تو خود همیشه با خیر بوده ای و با توفیق. علی بازگشت تا به مسجد رسول شود و نماز کند. اعرابی ای را دید که شتری می فروخت. گفت: یا ابوالحسن، این را شتر را می فروشم؛ بخر. علی گفت: نتوانم؛ که بهای آن ندارم. اعرابی گفت: به تو فروختم تا وقتی که غنیمتی در رسد یا عطائی از بیت المال به تو در آید. علی آن شتر به شصت درم بخرید و فرا پیش کرد. اعرابی دیگر پیش وی در آمد؛ گفت: یا علی، این شتر به من فروشی؟ گفت: فروشم. گفت: به چند؟ گفت: به چندانک خواهی. گفت: به صد و بیست درم خریدم. علی گفت: فروختم. صد و بیست درم پذیرفت از وی و به خانه باز شد. با فاطمه گفت که ازین شصت درم با بهای شتر دهم به اعرابی و شصت درم خود به کار بریم. بیرون رفت به طلب اعرابی. مصطفی را دید. گفت: یا علی، تا کجا؟ علی قصه خویش بازگفت. رسول خدا شادی نمود و او را بشارت داد و تهنیت کرد؛ گفت: یا علی، آن اعرابی نبود؛ آن جبرئیل بود که

فروخت، و میکائیل بود که خرید، و آن شتر، ناقه‌ای بود از ناقه‌های بهشت. این آن قرض بود که تو به الله دادی و درویش را به آن بناختی، و قد قال الله - عز و جل - «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا»<sup>(۱۱)</sup>

و باز در ذکر فضایل علی (ع) به «رد الشمس» اشاره می‌کند و آن را معجزه‌ای برای علی بن ابی طالب می‌داند؛ چنان‌که این معجزه برای سلیمان پیامبر پیدا شده بود. می‌نویسد: «در خبر است که مصطفی - صلوات الله و سلامه علیه - سر بر کنار علی نهاد و بخفت. علی (ع) نماز دیگر نکرده بود. نحو است که خواب بر رسول قطع کند. مرد عالم بود؛ گفت: نماز طاعت حق، و حرمت داشت رسول طاعت حق. همچنان می‌بود، تا قرص آفتاب به مغرب فرو شد. مصطفی (ص) از خواب درآمد. علی گفت: یا رسول الله، وقت نماز دیگر فوت شد و من نماز نکردم. رسول گفت: ای علی، چرا نماز نکردی؟ گفت: نحو استم که لذت خواب بر تو قطع کنم. جبرئیل آمد که یا محمد، حق - تعالی - مرا فرمود تا قرص آفتاب را از مغرب باز آرم تا علی نماز دیگر به وقت بگذارد. بعضی یاران گفتند: قرص آفتاب را چندان باز آورد که شعاع آفتاب دیدیم که بر دیوارهای مدینه می‌تافت»<sup>(۱۲)</sup>.

در پایان، به روایتی که مسیبدی از حضرت علی (ع) در ذیل آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَيْكُمْ صَدَقَةٌ»<sup>(۱۳)</sup> نقل کرده و جامع همه فضایل آن حضرت است، اشاره می‌کنیم: «امیرالمؤمنین

علی (ع) گفت در بعضی روایات که: چون این آیت فرو آمد، یک دینار به صدقه دادم و ده سؤال از رسول خدا کردم. گفتم: یا رسول الله، كَيْفَ أَدْعُو اللَّهَ: خدای را - جَلَّ جَلَالُهُ - چون خوانم و چگونه پرستم؟ گفت: بِالصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ. عهدی که روز «بلی»<sup>(۱۴)</sup> با وی رفته، به وفای آن باز آیی و در گفتار و کردار خود صدق به جای آری. آنچه نمایی، داری<sup>(۱۵)</sup> و آنچه گویی، کنی و از آنجا که آواز دهی، باشی. گفتم: مَا أَسْأَلُ اللَّهَ: از خدا چه خواهم؟ گفت: السَّلَامَةُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: در دنیا و آخرت، سلامت دل از آفات بشریت و عافیت تن از انواع بلیت. گفتم: مَا أَصْنَعُ لِنَجَاتِي؟ چه کنم تا در انجمن رستاخیز از رستگاران باشم؟ ایمن از فزعات قیامت و رسیده به درجات جنت؟ گفت: كُلُّ حَلَالٍ وَقُلْ صَدَقًا: آنچه خوری، حلال خور و آنچه گویی، صدق گوی. حرام را به خود راه مده، که حرام بد سرانجام بود. از دروغ بپرهیز، که هر که دروغ گوید، در دو جهان بدنام بود. گفتم: مَا الْحِيلَةُ؟ حیلت چه کنم تا آن بود که من خواهم؟ گفت: تَرَكُ الْحِيلَةَ حِيلَةً: حیلت بگذار و بدان که همه آن بود که الله خواهد و حیلت و تدبیر بنده هرگز با تقدیر الله بر نیاید. گفتم: مَا عَلِيٌّ؟ بر من چیست از احکام تا بگرام؟ و از عهده آن بیرون آیم؟ گفت: امر الله و رسوله به هر چه الله فرمود از واجبات و مفروضات و هر چه رسول گفت از مسنونات و مندوبات. گفتم: مَا الرَّاحَةُ؟ آسایش و راحت چیست؟ قال: الْجَنَّةُ. گفت: راحت آن است که در بهشت با نعمت، فرود آیی و از



دوزخ با عقوبت، ایمن شوی. گفتم: ما السروور؟  
 قَالَ الرَّوِيَّةُ: گفتم: شادی چیست و آن کامشادی  
 کی؟ گفت: شادی، آن شادی که شبِ فراق به سر  
 آید و صبح وصال از مطلع اقبال بر آید و بنده  
 شاهدِ جمالِ ذوالجلال بیند. گفتم: ما الحق؟ قال:  
 الاسلام؛ گفتم: آن حق که باطل را در آن راه  
 نیست، چیست؟ گفت: دین اسلام. گفتم:  
 ما الفساد؟ قال: الكُفْرُ: آن فساد و تباهی که از  
 راستی و پاکی دور است، چیست؟ گفت: کفر  
 ورزیدن و حق بپوشیدن. گفتم: ما الوفاة؟ وفا  
 چیست و مرد وفادار کیست؟ قال: شهادة أن لا إله  
 إلا الله؛ گفتم: کلمه شهادت گفتن و بر ایمان و  
 توحید و اخلاص مستقیم بودن».

أَرْبَعَةُ آيَاتٍ قَادُوا بِهَا نَفْسَهُ وَ مَافَوْهَا كَثُرُوا  
 الكَثْرُ جَمْعُ الشَّيْءِ وَ تَكْنِيْفُهُ ١٢٦:٤  
 أَحْسِبْتُمْ أَنَّ الْمَوْتَ لَا يَعْلَمُكُمْ وَ الْقَبْرُ لَا يَضُمُّكُمْ  
 وَ الْقِيَامَةُ لَا تَجْمَعُكُمْ وَ الرَّبُّ لَا يَقْضِي... ٤٣٧:٦  
 أَفْضَلُ الْجِهَادِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ  
 وَ سَنَانُ الْفَاسِقِينَ، فَمَنْ أَمْرٌ... ٢٣٤:٢  
 أَقَاتِلُهُمْ حَتَّى يَكُونُوا مِثْلَنَا. فَقَالَ: عَلَى رُسُلِكَ  
 حَتَّى تَنْزِلَ بِسَاحَتِهِمْ... ٤٩٤:٣  
 إِلَّا لَا يَتَّبِعُ مُدْبِرًا وَ لَا يَوْقِفُ عَلَى جَرِيحٍ ٢٥٢:٩  
 «الْبَحْرُ الْمَسْجُورُ» بِحَوْثِ تَحْتِ الْعَرْشِ غَمْرُهُ كَمَا بَيْنَ  
 سَبْعِ سَمَوَاتٍ إِلَى سَبْعِ أَرْضِينَ... ٣٣٣:٩  
 الدُّنْيَا تَضُرُّ وَ تَنْفَعُ وَ تَمُرُّ ١٦٢:٨  
 الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ يَنْفِي بِهَا الْقَنُوطَ عَنِ خَلْقِهِ فَلَهُ  
 الْحَمْدُ ١٣:١

فهرست روایات و حکایت علوی

الف: عربی

السَّحْتُ خَمْسَةٌ عَشْرٌ: الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ، وَ مَهْرُ  
 الْبَغْيِ، وَ حُلُوانِ الْكَاهِنِينَ... ١١٩:٣  
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ، أَمْوَالُكُمْ قُسِمَتْ وَ  
 دُورُكُمْ سُكِنَتْ وَ نِسَاءُكُمْ نُكِيهَتْ... ٣١٦:١  
 الْفَرْقُ بَيْنَ صَلَوَاتِنَا وَ صَلَوَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ  
 الْوَسْوَسَةُ، لِأَنَّ الشَّيْطَانَ فَرَعَ مِنْهُمْ وَ مِنْ  
 عَلَيْهِمْ ٧٠١:٢  
 النَّحْرُهَا هُنَا «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرِ» وَ صَخَّ الْيَدَيْنِ  
 فِي الصَّلَاةِ عَلَى النَّحْرِ ٦٣٨:١٠  
 النَّسَبُ مَا لَا يَحِلُّ التَّكَاجِهَ، وَ الصَّهْرُ مَا يَحِلُّ  
 نِكَاحِهِ، فَالنَّسَبُ مَا يَوْجِبُ الْحَرَمَةَ... ٤٩:٧  
 النَّعْمُ سِتَّةٌ: الْإِسْلَامُ، وَ الْقُرْآنُ، وَ مُحَمَّدٌ، وَ السُّرَّةُ،  
 وَ الْعَاقِبَةُ، وَ الْغَنَى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ ٤١٠:١  
 إِنَّ الْإِيْمَانَ يَبْدُو لِمِظَّةٍ بِيضَاءٍ فِي الْقَلْبِ، كَمَا أزدَادُ  
 الْإِيْمَانَ أزدَادَتْ بِيَاضًا... ٣٥٢:٢

آمَنَ قَرِيبًا أَنْ تَكُونَ الْخِلَافَةَ الْآفِيهِمْ ٦٢٦:١٠  
 آمِينَ خَاتَمُ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَخْتَمُ بِهِ دُعَاءُ عِبْدِهِ الْمُؤْمِنِ  
 [وَقِيلَ] يَخْتَمُ بِهِ بَرَاءَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ النَّارِ ٢٣:١  
 آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَمْ يَعْمَلْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلِي وَ لَا يَعْلَمُ  
 بِهَا أَحَدٌ بَعْدِي وَ هِيَ آيَةُ الْمَنَاجَاةِ ٢١:١٠  
 إِحْذَرُوا نَفَارَ النَّعْمِ فَمَا كُلُّ شَارِدٍ يَمْرُدُ ١٣٥:٣  
 أَدْوَا الْأَمَانَةَ وَ لَوْ إِلَى قَاتِلِ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ ١٧٠:٢  
 إِذَا اشْتَكَى أَحَدُكُمْ شَيْئًا فَلْيَسْأَلْ أَمْرَأَتَهُ ثَلَاثَةَ  
 ذَرَاهِمٍ مِنْ صِدَاقِهَا... ٤١٢:٢  
 إِذَا وَصَلْتَ إِلَيْكُمْ أَطْرَافَ النَّعْمِ فَلَا تَنْفَرُوا  
 أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ ١٣٥:٣  
 أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَظْهَرَ كِرَامَتَهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، فَسَلُّ لَمْ  
 يَكُنْ إِبْلِيسُ وَ وَسْوَسَتْهُ لَمَّا... ٧٠١:٢

إِنَّ الْبَرْقَ مَخَارِيقٌ مِنَ النَّارِ فِي أَيْدِي الْمَلَائِكَةِ  
تُرْجَرُ بِهَا السَّحَابُ ١٧٣:٥  
إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قُبِضَ الْمَلَكُ رُوحَهُ اِنْتَهَى بِهِ  
إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ يَا رَبُّ عَبْدُكَ فَلَانٌ... ١٤٠:٦  
إِنَّ رَجُلًا وَامْرَأَةً ابْتِغَا عِلْمًا، مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا  
قِيَامٌ مِنَ النَّاسِ، فَقَالَ عَلَى... ٢٩٤:٢



إِنَّ عِثَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ  
اتَّقُوا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقُوا وَاحْسِنُوا ٢٢٧:٣  
إِنَّ عَلِيًّا سَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ فِي نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ «لَا  
حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» فَقَالَ عَلَى: كَلِمَةٌ حَقٌّ أُرِيدُ بِهَا  
بَاطِلٌ... ٢٥٢:٩  
إِنَّ عَلِيًّا (ع) سَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ فِي نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ:  
لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ. فَقَالَ: كَلِمَةٌ حَقٌّ أُرِيدُ بِهَا

بَاطِلٌ... ٢٥٢:٩  
إِنَّ عَلِيًّا (ع) عَنْهُ سُئِلَ كَيْفَ يُحَاسِبُهُمْ فِي حَالِهِ  
وَاجِدَةً، فَقَالَ كَمَا يُرْزَقُهُمْ فِي حَالِهِ وَاحِدَةً ٥٤٠:٦  
إِنَّ عَلِيًّا (ع) قَالَ لَمَّا مَاتَ أَبُو طَالِبٍ أَتَيْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) إِنَّ  
عَمَّكَ... ٢٢٢:٤

إِنَّ عَلِيًّا (ع) مَرَّ عَلَى رَجُلٍ وَهُوَ يَزِنُ الزُّعْفَرَانَ وَ  
قَدْ أَرْجَحَ فَكَفَا الْمِيزَانَ. ثُمَّ قَالَ... ٣١٤:١٠  
إِنَّ عَلِيًّا مَرَّ عَلَى رَجُلٍ وَهُوَ يَزِنُ الزُّعْفَرَانَ وَقَدْ  
أَرْجَحَ فَكَفَا الْمِيزَانَ. ثُمَّ قَالَ: أَقِمِ الْوِزْنَ  
بِالْقِسْطِ... ٣١٤:١٠  
إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ قَضَى بِقَضِيَّةٍ، فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ  
نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَيْسَ  
الْقَضَاءُ... ١١٣:٥

إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَوْلُؤَتَيْنِ إِلَى بَطْنَانِ الْعَرْشِ، وَاحِدَةٌ  
بَيْضَاءُ، وَالْأُخْرَى صَفْرَاءُ، فِي كُلِّ... ١١١:٣  
إِنَّ قَبْرَ هُودٍ بِحَضْرَمَوْتٍ فِي كَنْيَبِ أَحْمَرَ ٦٥٦:٣  
أَنْتُمْ تَفْتَرُونَ الْوَصِيَّةَ قَبْلَ الدِّينِ وَبَدَأَ  
رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِالَّذِينَ قَبْلَ الْوَصِيَّةِ ٤٣٩:٢  
إِنَّ لِلْبَاطِلِ جَوْلَةً ثُمَّ يَضْمَجُلُ ٣١:٢  
إِنَّمَا أَخَذْتُهُمُ الرَّجْفَةَ مِنْ أَجْلِ دَعْوَاهُمْ عَلَى مُوسَى  
قَتَلَ هَارُونَ، وَذَلِكَ أَنَّ مُوسَى وَ... ٧٥٥:٣

أَمَّا مَثَلُ الْعُلَمَاءِ كَمَثَلِ الْإِكْفِ إِذَا قُطِعَتْ كَفٌّ لَمْ  
تَعُدْ ٢١٥:٥  
أَنَّهُ (عَلِيٌّ بْنُ رَبِيعَةَ) شَهِدَ عَلِيًّا (ع) حِينَ رَكِبَ،  
فَلَا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرَّكَابِ، قَالَ:  
بِسْمِ اللَّهِ... ٥٤-٥٥:٩  
إِنِّي لِأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا وَعِثَانُ وَطَلْحَةُ وَزُبَيْرُ  
مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ: وَنَزَعْنَا... ٦١٥:٣

بهره كشف الاسرار  
از گفتار و  
کردار علی (ع)

شماره ١٢ و ١٣ و ٧١

أوحى اللهُ إليه (ص) يا محمدُ لولا اِنِّي أُحِبُّ  
مُعَاتِبَةَ أُمَّتِكَ لَمَا حَاسِبْتُهُمْ ٣٥٩:٣  
أَوَّلَ مَنْ يَكْسَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِبْرَاهِيمُ قَبْطِيَّتَيْنِ  
وَالْتَّبِي ... ٤٣٣:٣  
أَوْلِيَاءُ اللَّهِ قَوْمٌ صَفَرُوا وُجُوهَ مِنَ الشَّهْرِ، عَمَّشَ  
الْعُيُونِ مِنَ الْعَبْرِ، حَمَضَ الْبُطُونَ مِنْ  
الْحَوَى ... ٣٠٩-٣١٠:٤  
إِتْيَاكُمْ وَالْمُخْصِمَاتِ فَابْتِهَاتِمُ حَقُّ  
الَّذِينَ ٤٦١:٣/٤٧٣:٢  
أَنَا أَوَّلُ مَنْ يَجُودُ الْمُخْصِومَةَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ - عَزَّ وَ  
جَلَّ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ ٣٤٨:٤  
يَخْخِجُ مِنْ مِثْلِكَ يَا بِنَ ابْنِ طَالِبٍ، يَا هِيَ اللَّهُ -  
عَزَّ وَ جَلَّ - بِكَ الْمَلَائِكَةُ ٥٥٤:١  
بِسْمِ اللَّهِ فَاتَّقِ اللَّهَ لِلرَّتُوقِ، مَسْهَلَةً لِلرَّشْرُورِ، شَفَاءً لِمَا  
فِي الصُّدُورِ ١١٣:٨  
بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا أَسْوَدَ لَمْ يَقْضِهِ فِي الْقُرْآنِ ٤٩٧:٨  
تَنْشَقُّقُ (السَّمَاءِ) مِنَ الْمَجْرَةِ وَالْمَجْرَةِ بَابِ السَّمَاءِ وَ  
انْشِقَاقُ السَّمَاءِ مِنْ عِلَامَاتِ الْقِيَامَةِ ٤٢٧:١٠  
تَمَامُ النُّعْمَةِ الْمَوْتِ عَلَى الْإِسْلَامِ ٤١٠:١  
جَاءَ (هَذِهِ الْآيَةِ: إِنَّ الَّذِينَ اجْرَمُوا: ...) فِي نَفَرٍ مِنْ  
الْمُسْلِمِينَ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَسَخَّرَ مِنْهُمْ الْمُنَافِقِينَ ...  
٤١٩:١٠  
خَلِيلَانِ مُؤْمِنَانِ وَ خَلِيلَانِ كَافِرَانِ، فَسَاتَ أَحَدُ  
الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ يَا رَبِّ ... ٨٢:٩  
خِيَارُ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِينَ أَلَّا يَشْغَلُهُمْ دُنْيَاهُمْ عَنْ  
آخِرَتِهِمْ وَلَا آخِرَتِهِمْ عَنْ دُنْيَاهُمْ ٢١٠:٥-٢٠٩.  
٤٧٣  
خَيْرٌ بَثْرٌ فِي النَّاسِ بَثْرٌ زَمَزَمٌ وَ شَرٌّ بَثْرٌ فِي النَّاسِ  
بَثْرٌ بِلَهْوَتِهِمْ فِي ذَلِكَ الْوَادِي الَّذِي،

بِحَضْرَمَوْتِ ١٦٠:٩  
خَيْرٌ وَادِيَيْنِ فِي أَنْاسٍ وَادٍ بِمَكَّةَ وَ وَادٍ نَزَلَ بِهِ آدَمُ  
بِأَرْضِ هِنْدٍ وَ شَرٌّ وَادِيَيْنِ ... ١٦٠:٩  
دَارُ الْبُورَارِ بَدْرٍ ٢٥٨:٥  
دَخَلْتُ (ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيَّ) عَلَى عَلِيِّ بْنِ  
أَبِي طَالِبٍ (ع) فَقَالَ: يَا ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ أَلَا أُنَبِّئُكَ  
بِالْحَسَنَةِ ... ٢٤٣:٧  
دَخَلَ عَلِيُّ (ع) عَلَى رَجُلٍ يَعُودُهُ، فَقَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ  
أَصُوبَ فَقَالَ عَلِيُّ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ ... ٤٧٧:١  
رَوَّحُوا هَذِهِ الْقُلُوبَ وَ اطْلُبُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ  
فَاتَّهَاتَمَلَّ الْإِبْدَانَ ٤٩٧:٧/٣٤٣:١  
سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) عَنْ سِحَانٍ فَقَالَ: كَلِمَةٌ  
رَضِيهَا اللَّهُ لِنَفْسِهِ ٢٧٦:٩  
سُئِلَ عَلِيُّ (ع): أَيُّسَ الْمَحْدَثِ الْمَصْحُوفِ؟ فَقَالَ  
لَا ٤٤٤:٩  
سَبْحَانَ اللَّهِ كَلِمَةٌ أَحَبَّهَا اللَّهُ وَ رَضِيهَا وَ قَالَهَا  
لِنَفْسِهِ وَ أَحَبُّ أَنْ يُقَالَ لَهُ، وَ لَمْ تَقُلْ إِلَّا  
لِرَبِّتِنَا ... ١٠٧:٢  
سُورَةُ الْإِنْعَامِ مَنْ قَرَأَهَا فَقَدْ انْتَهَى فِي رِضَا  
رَبِّهِ ٢٨٥:٣  
طَهَّرُوا بِيُوتَكُمْ مِنْ نَسِجِ الْعَنْكَبُوتِ فَإِنَّ تَرْكَهُ  
فِي الْبُيُوتِ يورثُ الْفَقْرَ ٣٩٣:٧  
عَاشَ (ذَوَا الْقُرْنَيْنِ) مِائَةَ سَنَةٍ قَتَلَ ثُمَّ أَحْيَاهُ اللَّهُ وَ  
عَاشَ مِائَةَ أُخْرَى فَصَحَبَ فِي الدُّنْيَا قَرْنَيْنِ ٧٣٦:٥  
عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَ مَعَهُ النَّجَاةُ ٤٨١:٢  
عَلَى (ع) عَلَّمَ عِلْمَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ  
رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَّمَهُ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - فَعَلِمَ  
النَّبِيُّ (ص) ٤٨٦:١٠  
عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ سُئِلَ وَ هُوَ الْقُدُودَةُ فِي قِتَالِ

اهل البغى عن اهل الجمل و صفين امشركون  
هم... ٢٥٢:٩

غزى غيرى يا دنيا فقد تبتك ثلاثاً ٥٩٨:٢  
قال سليمان بامر الله - عز و جل - للملئكة  
الموكلين بالشمس... ٣٢٩:٨

قال محمد بن الحنفية قلت لأبي أنت التالى، قال: و  
ما تعنى بالتالى. قلت قوله سبحانه... ٣٦٦:٢  
قال محمد بن الحنفية قلت لأبي أنت التالى، قال: و  
ما تعنى بالتالى؟ قلت قوله سبحانه... ٣٦٦:٢

قيل لعلى (ع) ما «الخنس الجوار لكئس؟» قال  
هى الكواكب تخنس بالنهار فلا ترى... ٣٩٧:١٠  
قيمة كل امرىء ما يحسنه ٥٢٠:٧

كان (على عليه السلام) يقول فينا اهل بدر نزلت  
هذه الآيه الا يمستهم فيها و ما هم منها  
بمخرجين... ٣٢٠-٣٢١:٥

كان على (ع) يتوضأ الكل صلوة و يقرأ هذه  
الآية: يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم... ٣٧:٣

كان عندي عشرة دراهم، فكنت إذا ناجيت  
النبي (ص) تصدقت بدرهم فنسخت و لم يعمل  
بها احد غيرى ٢١:١٠

كان لعلى بن ابي طالب كرم الله وجهه ثلث لو  
كانت لى واحدة منهن كانت احب الى من  
مراالنعمة... ٢١:١٠

كان للمجوس علم يعلمونه و كتاب يدرسنه و  
ان ملكهم سكر فوق على ابنتيه أو  
أخته... ١١٥:٤

كل مطيع يكال له كياً و يوزن له و زناً الا  
الصابرين فانه يحى عليهم حثياً ٣٩٣:٨  
لا تتفرقوا فالجماعة رحمة و الفرقة عذاب ١٠:٩

لا تحزن على الدنيا فان الدنيا سته اشياء:  
مطعم و مشروب و ملبوس و مشموم  
و... ٤٩٦-٤٩٧:٩

لاجمعة الا فى مصر جامع ١٠١:١٠  
لا والذى فلق الحبة و برأ التسمه ٣٣٢:٣

لا يدخل الجنة الا نفس مسلمة و لا يحج  
بعدا العام مشرك و لا يطوف... ٨٩:٤  
لتفرقن هذه الامة على ثلاث و سبعين فرقة كلها  
فى النار الا واحده ٢٣٢:٢

لقد سمعنا فى المسجد ههمة و لم نرهم شخصاً  
فسمعنا هاتفاً تهتف... ٢٤٦:٦  
لكل مؤمنة مطلقة حرّة أو امة متعة و تلا هذه

الآية و للمطلقات متاع... ٦٤٨:١  
لما اهبط آدم (ع) من الجنة الى الارض، احرقته  
الشمس فاسود جسده، فاتاه جبرئيل ٤٨٤:١

لما نزلت «بسم الله الرحمن الرحيم» ضجت  
جبال الدنيا حتى كنا نسمع دويها... ٤٠٢:٢

لم يبعث الله نبياً آدم و من بعده الا اخذت عليه  
العهد فى محمد و امره، و... ١٨٠:٢  
ما اخذ الله على اهل الجهل ان يتعلموا حتى اخذ

على اهل العلم ان يعلموا لأن... ٣٧٤:٢  
ما ارى رجلاً ولد فى الاسلام أو ادرك عقله  
الاسلام يبيت ابداً حتى يقرء... ٦٨٧:١

مات خزان الاموال و هم احياء و العلماء باقون  
ما بقى الدهر، اجسادهم مفقودة... ٤٧٠:٧  
مازلنا نشك فى عذاب القبر حتى نزلت «ألهيكم  
التكاثر» الى قوله... ٥٩٨:١٠

ما قلعتها (باب الخبير) بقوة جسامية: أما قلعتها  
بقوة ربانية ٢١٤:٩

بهره كشف الاسرار  
ازگفتار و  
کردار على (ع)

نماره ١٣ ار ٧٣

مسكين ابن آدم ينظر بشحمٍ و يتكلم بلحمٍ و  
يسمع بعظمٍ... ١٥٨:٤

من السنة ان لا يقتل مسلم بكافروان لا يقتل حُر  
بعبد ٤٧٣:١

من أحب أن يكال له غدأً بالكيل الا وفي فليكن  
آخر كلامه حين يقوم من مجلسه... ٣١٤:٨

من وسَّعَ عَلَيْهِ دنياه و لم يعلم انه مكر به فهو  
مخدوع عن عقله ٢٢:٢

والله ما علم عدو الله و انما علم موسى و الاول  
اظهر لان علم موسى لا يكون حجة على فرعون  
٤٢٩:٥

هذه معصية ما عصى الله تعالى بها الائمة  
واحدة فاهلكهم، و اتى ارى أن يحرق  
بالتار ٤٧٣:٣

هو (مسجد الحرام) اول بيت وضع للناس  
مباركاً و هدى للعالمين ٢١٣:٢

يا باعمر! أتدرى على كم افترقت اليهود؟ قلت:  
الله و رسوله أعلم. قال: افترقت على

احدى... ٥٣١:٣

يا صفراء اصفرى و يا بيضاء ابيضى و غرى  
غيرى ٤٥٣:٥

يا عبد الله اتق الله و لا تنافق فإن المنافقين شر  
خليفة الله ٨٠:١

يا ليت أمتى لم تلدنى و يا ليت السباع مزقت  
جلدى و لم اسمع بذكر جهنم ٣٣٢:٥

يا من لا يعلم أحد من خلقه كيف هو  
غيره ٤٤٣:٦

يبدو الايمان لحظة في القلب كلما ازداد الايمان  
ازدادت اللمظة ٢٣٨:٤

يخرج الروح عند النوم و يبقى شعاعه في الجسد  
فبدلك يرى الرؤيا فاذا انتبه... ٤٢١:٨

يُرسل على الناس يوم القيامة ريحٌ منتنةٌ يتأذى  
بها كلُّ بَرٍّ و فاجر، فتأخذ بانفاس الناس ٤٧٩:٢

ب: فارسی

از ایشان (باجوج و ماجوج) گفته که از ایشان  
کس هست که بالای ایشان یک شیر است و  
هست که... ٧٤٣:٥

از مهاجران هیچ کس با پدر و مادر در اسلام  
مجتمع نشد، مگر بویکر صدیق، و رب العزه او را  
وصیت کرد... ١٤٩:٩

اگر الله خواستی که امت احمد را عذاب کند، ماه  
رمضان به ایشان ندادی و نه سوره «قل هو الله  
احد» ٤٩٦:١

امیرالمؤمنین علی (ع) را پرسیدند از قدر؛ گفت:  
سر الله فلا تکشفه بحر عظیم فلاتلجه ٢٣٤:٦

امیرالمؤمنین علی (ع) به قومی بگذشت که  
شطرنج می باختند... ١٤٣

امیرالمؤمنین علی (ع) دیناری بر دست نهاد؛  
گفت: یا صفراء اصفری و یا بیضاء... ٤٥٣:٥

امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - به جماعتی  
درویشان گذر کرد. آن هیبت دیدار  
ایشان... ٨١:٢

امیرالمؤمنین علی (ع) مردی را دید سر در پیش  
افکنده... ٥٤٧:٢

بادها چهارند: شمال و جنوب و صبا و دبور. گفتا  
و حد شمال از حد قطب است تا به مغرب  
آفتاب... ٢٣٨:١

بر در بهشت درختی است که از بیخ آن دو چشمه آب روان است. مؤمن آنجا رسد... ۴۳۸:۸  
 چون این آیت فرو آمد (یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرّسول...)، یک دینار به صدقه دادم... ۲۷-۲۸:۱۰  
 حسنة این جهانی هم جفت شایسته است، و آن جهانی حوراء بهشتی، و عذاب آتش که... ۵۴۳:۱  
 در همه قرآن، آیتی از این امیدوار تر نیست که انّ الله لا یغفر انّ یشرک به... ۵۳۶:۲  
 راحت و آسایش یکبارگی از دل باز مگیرید که دل از آن ناپینا شود ۶۱۴:۱  
 شبی از شبها علی(ع) مرا (ابن عباس) گفت: «چون نماز خفتن گزارده باشی، نزدیک من حاضر شو... ۶۸۶:۱۰  
 شبی جبرئیل امین ندا در عالم در داد که: «معاشر النّاس ما قعودکم و قد... ۳۱۶:۲  
 حسین بن علی(ع) پدر را دید که به یک پیراهن حرب می کرد. گفت: لیس هذا زئ المّحاربین... ۲۹۸:۹  
 علی بن ابی طالب(ع) را پرسیدند که جزیه از محبوس پذیریم؟ گفت آری، که ایشان را کتابی بود... ۵۱۶:۱  
 علی مرتضی(ع) فرمود که روزی جهودی مرا گفت: در کتاب شما آیتی است، بر من مشکل شده... ۱۸:۱  
 عقل بر دو ضرب است: مطبوع و مسموع. و کمال بنده در دینداری وی به آن است که... ۶۴۹:۱  
 مرائی را سه نشان است، که تنها باشد، کاهل بود،

و که مردمان را ببند، به نشاط بود... ۷۲۶:۱  
 هر چه از رسول خدا(ص) بشنودی، الله مرا بدان منفعت دادی... ۵۱:۳  
 یکی را در خاک می نهادم؛ سه بار روی او به جانب قبله کردم؛ هر بار روی از قبله بگردانید... ۲۱۹:۸

### پی‌نوشت‌ها

- ۱-سوره توبه، آیه ۱۰۰
- ۲-کشف‌الاسرار، ج ۴، صص ۲۰۲-۲۰۳ همه ارجاعات این مقاله به تفسیر کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، ابوالفضل، رشیدالدین میبدی به اهتمام علی اصغر حکمت، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۸.
- ۳-سوره بقره، آیه ۲۰۷.
- ۴-کشف‌الاسرار، همان، ج ۱، ص ۵۵۴
- ۵-کشف‌الاسرار، همان، ج ۱، ص ۱۸.
- ۶-کشف‌الاسرار، همان، ج ۲، صص ۷۵۸-۷۵۹
- ۷-کشف‌الاسرار، همان، ج ۵، ص ۶۴۶ به بعد.
- ۸-کشف‌الاسرار، همان، ج ۹، صص ۲۱۴-۲۱۳
- ۹-کشف‌الاسرار، همان، ج ۳، صص ۱۵۱-۱۵۰.
- ۱۰-سوره بقره، آیه ۲۴۵.
- ۱۱-کشف‌الاسرار، همان، ج ۱، صص ۶۶۳-۶۶۲.
- ۱۲-کشف‌الاسرار، همان، ج ۸، ص ۳۶۱.
- ۱۳-سوره مجادله، آیه ۱۲
- ۱۴-اشارات است به روز آفرینش مردم.
- ۱۵-داری: به معنی «داشته باشی» آمده است.

### منابع و مآخذ

-المیبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، چاپ دوم، خوارزمی، تهران ۱۳۶۱.